



▲ بیمه مرکزی باید با قدرت تمام هدایت صنعت بیمه را به عهده بگیرد.

به کره جنوبی در سطح بسیار نازلی قرار دارد. هم‌چنین، نسبت حق بیمه بازرگانی به تولید ناخالص داخلی، که معیار نفوذ بیمه در کشور است، در سال ۱۹۹۶ در کشورمان حدود ۰/۵۳ درصد می‌باشد و این رقم در سال ۱۹۹۳ معادل ۰/۳۴ درصد بود. باید توجه داشت که افزایش چشمگیر این شاخص، نشانگر رشد نسبتاً بیشتر صنعت بیمه در مقایسه با تولید ناخالص داخلی کشور بوده است، اما همین شاخص در مقایسه با کشورهای دیگر در سطح پایینی قرار دارد. به عبارت دیگر، این نسبت برای اندونزی ۱/۲ درصد، برای مالزی ۰/۴۵ درصد، برای پاکستان ۰/۷۹ درصد، برای ونزوئلا ۱/۵ درصد، برای فیلیپین ۱/۵ درصد، برای ترکیه ۰/۸۹ درصد، برای مصر ۰/۷۹ درصد و برای هند ۱/۸۴ درصد می‌باشد. برای کشورهای پیشرفته صنعتی هم که وضع کاملاً متفاوت است و این نسبت در حدود ۷ درصد یا بیشتر است.

● با توجه به اینکه فعال و کارآشدن مؤسسات مالی، از جمله مؤسسات بیمه‌ای، موجب افزایش کارایی بخش مالی اقتصاد خواهد شد، لذا به نظر شما کدامیک از انواع بیمه بیشتر می‌تواند در رونق بازار مالی اثر داشته باشد؟

* از بین رشته‌های بیمه، بیمه عمر بیشترین کمک را می‌تواند به بازار مالی بکند، چون اولاً طولانی‌مدت است و ذخایر ریاضی آن مدت نسبتاً طولانی در اختیار صنعت بیمه است؛ ثانیاً خصلت پس‌اندازی دارد و بخشی از حق بیمه، به عنوان پس‌انداز نزد بیمه‌گر باقی می‌ماند و برای آن نرخ بهره در تعیین حق بیمه منظور می‌شود، لیکن در بخش بیمه‌های عمر، فعالیت بیمه‌ها

بازار بیمه: وضع موجود و راه‌کارهای پیشنهادی



در جهان امروز، بیمه به عنوان یکی از بخش‌های استراتژیک اقتصاد به‌شمار می‌آید. اما در ایران - علیرغم تحولات مهم اخیر در صنعت بیمه کشور - به‌علت ساختار نامناسب و نبود رقابت جدی و اساسی، پیشرفت‌های حاصله در مقایسه با سایر کشورهای جهان در حد مطلوب نبوده است و همین حساسیت ماهوی صنعت بیمه و نارسایی‌های موجود ما را بر آن داشت تا گفتگویی داشته باشیم با دکتر ناصر همتی، رییس کل بیمه مرکزی و از زبان ایشان مشکلات و راه‌حل‌ها را بشنویم. آنچه ملاحظه می‌فرمایید، حاصل این گفتگوست.

* * *

● آقای دکتر همتی، ضمن تشکر از قبول این زحمت، دیدگاه‌های کلی خود را در مورد صنعت بیمه جهان و ایران بیان فرمایید تا به تدریج دامنه بحث را گسترش بدهیم.

* در دهه‌های اخیر، تقریباً در تمامی کشورهای دنیا، با حمایت دولت به‌منظور افزایش ظرفیت و توان بیمه‌گری، زمینه فعالیت بخش خصوصی و مشارکت مردمی در بخش بیمه‌های بازرگانی فراهم شده است و هر یک از شرکت‌های بیمه، در رقابت با دیگر شرکت‌ها، تلاش می‌کند تا نیازهای بیمه‌ای جامعه خویش را شناسایی کند، در ارایه خدمت و گسترش فعالیت از دیگری سبقت گیرد و با مدیریت صحیح، کاربرد مؤثر منابع و امکانات و ارایه پوشش‌های مناسب بیمه‌ای و نرخ‌های نازل‌تر، مشتریان بیشتری را به سمت خود بکشد. اما در کشور ما، عدم حضور و مشارکت نداشتن بخش خصوصی در بازار بیمه و عرضه بیمه فقط از طریق چند شرکت دولتی و با ظرفیت محدود و نبود رقابت، موجب شده است که توسعه و نفوذ بیمه در جامعه با توجه به ظرفیت بالقوه و در مقایسه با دیگر کشورها در حد بایسته و مورد انتظار صورت نگیرد. واقعیت این است که شرکت‌های بیمه، با توجه به ماهیت تجاری فعالیت خویش و لزوم پاسخگویی سریع به نیازهای گوناگون مشتریان در گروه‌ها و مناطق مختلف، باید از استقلال و آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری سریع برخوردار باشند و این شرایط با ماهیت شرکت‌های دولتی و لزوم تبعیت از قوانین و مقرراتی که به صورت عام در مراجع مختلف برای دستگاه‌های دولتی وضع می‌شود، تعارض دارد و دیوانسالاری حاکم بر این دستگاه‌ها مانع پویایی لازم می‌شود.

حال، اگر بخواهیم وضعیت بیمه ایران نسبت به دیگر کشورهای جهان را درک کنیم، کافی است به آمار مقایسه‌ای شاخص‌های بیمه ایران با چند کشور منتخب نگاه کنیم. مثلاً همانگونه که آمارهای مربوط به سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهند، سهم ایران در بازار بیمه جهانی ۰/۰۳ درصد است و ایران در این زمینه رتبه ۵۰ جهان را در اختیار دارد. از سوی دیگر، سرانه حق بیمه بازرگانی کشور در سال ۱۹۹۶ معادل ۸ دلار بوده است که در مقایسه با حدود ۱۴ دلار اندونزی، ۱۷ دلار فیلیپین، ۲۵ دلار ترکیه و ۴۷ دلار ونزوئلا به مراتب کمتر است و نسبت به ۲۱۹ دلار مربوط به کشور مالزی و ۱۳۷۲ دلار مربوط

دارد، این است که بیشتر صنایع کلیدی ما اکنون قدیمی شده‌اند و برای ما، به عنوان صنعت بیمه، این یک تشدید خطر محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه عمر صنایع و ماشین‌آلات افزایش یابد و استهلاک آنها از مرز ۷۰ درصد بگذرد، بیشتر در معرض خطر قرار دارند و باید از نظر ایمنی و پیشگیری اقدامات جدی در این خصوص انجام شود. در کنار آن، خطرات اخلاقی و مدیریتی نیز رو به گسترش است و جوابگوی این ظرفیت عظیم و بالقوه نیست. در این شرایط، حتی اگر چهار شرکت بیمه موجود خصوصی هم باشند، باز با ظرفیت محدود خود قادر به فعالیت کارآ نخواهند بود. بنابراین، ادامه وضعیت فعلی، اجباراً ما را به بازارهای بیمه اتکایی وابسته می‌کند و این عمل، خروج ارز بابت خرید پوشش‌های اتکایی را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد و بخشی از ذخایر و حق بیمه‌های صنعت بیمه، که می‌تواند وارد بازار مالی و سرمایه‌گذاری شود، عملاً از کشور خارج می‌شود.

بدیهی است که در این شرایط، شرکت‌های بیمه موجود حتی قادر به بهره‌برداری کامل و مطلوب از بازار موجود نیستند، چه برسد به بازار بالقوه، و همین عمل، موجب شده است که برخی از سازمان‌های بزرگ رأساً صندوق‌های خودبیمه‌گری را ایجاد کنند، در حالی که گسترش خودبیمه‌گری علاوه بر اینکه خلاف قانون است، موجب ضایعات جبران‌ناپذیری بر اموال و دارایی‌های ملی می‌شود.

* در سال ۱۹۹۶، سهم ایران در بازار بیمه جهان تنها ۰/۰۳ درصد بوده است!

● صنعت بیمه کشور در شرایط فعلی

چه نقشی در بازار سرمایه دارد؟

* با ساختار فعلی، یعنی با ۴ شرکت عمومی بیمه دولتی، صنعت بیمه نمی‌تواند حضور مؤثری در بازار سرمایه داشته باشد. در حقیقت، بازار بیمه ما انحصاری است که در آن یک شرکت بیمه (بیمه ایران) ۶۰ درصد بازار را در اختیار دارد و بقیه شرکت‌ها با هم ۴۰ درصد بازار را

که شرکت بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری، یک شرکت کاملاً تخصصی است. بدین ترتیب، برای هر ۱۵ میلیون نفر جمعیت، یک شرکت بیمه وجود دارد که با ساختار دولتی و نه به صورت حرفه‌ای، بلکه به صورت سازمان‌های اداری با بوروکراسی شدید، که مختص مؤسسات دولتی است، اداره می‌شوند که با ماهیت حرفه‌ای بیمه‌گری تفاوت دارد، زیرا اصولاً شرکت‌های بیمه از جمله سازمان‌های مدیریتی هستند و تخصص و مدیریت، به همراه خلاقیت و نوآوری، حرف اول را در آنها می‌زند.

مسئله دیگر این که با افزایش نرخ ارز و اعمال نرخ‌های متفاوت برای آن، یکبار ارزش ریالی دارایی‌ها به رقم عظیمی رسیده و ریسک‌های بالقوه و قابل بیمه‌شدن بازار به صورت ناگهانی وسعت تازه‌ای یافته است، حتی همین امسال، ظرف چند ماه گذشته ۴۰ درصد



ارزش اموالی که به نحوی وابستگی ارزی دارند، افزایش یافته، یعنی به یکباره ۴۰ درصد کم بیمه‌گی در بخش صنایع و پروژه‌های عمرانی ارزی، که از صنایع استراتژیک محسوب می‌شوند، به چشم می‌خورد. حال، این پرسش مطرح می‌شود که تنها چهار شرکت دولتی، با توان مالی و ظرفیت محدود، چگونه می‌توانند چنین ظرفیت عظیمی را احیا کنند؟ و این مشکل در حالی است که ما شرکت‌های ارزیاب هم در کنار صنعت بیمه نداریم تا همه‌ساله دارایی‌ها و اموال صنایع و پروژه‌ها را تجدید ارزیابی کنند تا با کم‌بیمه‌گی مواجه نشوند و در صورت تحقق خطر و ورود خسارت، که متأسفانه ضریب آن هم در حال افزایش است، بتوانند خسارت خود را دریافت کنند. نکته هشداردهنده دیگری هم که وجود

بسیار محدود است و در سال‌های بعد از انقلاب ما نتوانسته‌ایم موفق عمل کنیم، چون فروش بیمه عمر مشکل ساختاری دارد و با ساختار دولتی نمی‌توان بیمه عمر با انگیزه‌های جذاب را به بازار عرضه کرد، در حالی که اکنون در آسیا در کشورهایمانند ژاپن، کره، تایلند و تایوان بین ۵۰ تا ۷۰ درصد حق بیمه بازار را حق بیمه‌های

* در ایران برای هر ۱۵ میلیون نفر یک شرکت بیمه وجود دارد، آنهم شرکت‌های دولتی و گرفتار بوروکراسی شدید!

عمر تشکیل می‌دهد. اما با وجود تلاش جدی که ظرف چند سال گذشته در ایران انجام داده‌ایم، تنها نتوانسته‌ایم حق بیمه بیمه‌های عمر را به ۱۱ درصد افزایش دهیم، در حالی که اکنون بازار بالقوه عظیمی برای فروش بیمه‌های عمر در ایران ایجاد شده و صنعت بیمه باید با عرضه انواع متنوع بیمه‌های عمر، متناسب با طبقات مختلف جامعه، این رشته را گسترش دهد.

● بازار بیمه کشورمان در رابطه با دیگر کشورهای در حال توسعه چه وضعی دارد؟

* آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که بازار بیمه ایران، حتی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه نیز در سطح پایین‌تری است و برای رسیدن به استانداردهای قابل قبول، راه درازی باید پیموده شود. به عنوان مثال، در بازارهای مشابه، با جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفر، در حدود یکصد شرکت بیمه در اندازه‌های مختلف با ساختار و مدیریت بخش خصوصی مشغول فعالیت هستند و حق بیمه سرانه مطلوبی را دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، در کشور مالزی برای ۱۸ میلیون نفر جمعیت ۶۰ شرکت بیمه، در اندونزی با ۱۸۰ میلیون جمعیت ۳۲ شرکت بیمه، در انگلیس ۶۰۰ شرکت و در ترکیه بیش از ۵۰ شرکت بیمه وجود دارد، در حالی که در ایران برای بیش از ۶۰ میلیون جمعیت، تنها ۴ شرکت بیمه عمومی فعالیت دارند. لازم به یادآوری است

و مبانی فنی بیمه، شرایط کم‌بیمه‌گی به شدت رواج دارد و چون قسمت‌های مالی اقدام به تهیه بیمه‌نامه می‌کنند، لذا با نوسانات نرخ ارز نتوانسته‌اند به‌موقع نسبت به تجدید ارزیابی اقدام کنند و اموال و دارایی‌های خود را به ارزش واقعی تحت پوشش بیمه قرار دهند. البته بخش دولتی را می‌توان الزام کرد که به این امر اقدام کند، اما بخش خصوصی را باید از طریق مشاوره و راهنمایی به این سمت هدایت کرد و داشتن تأییدیه بیمه رسمی را برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اجباری کرد.

*** دکتر همتی: باید صنایع کلیدی در اختیار دولت، بیمه‌رسی شوند و سازمان‌های دولتی فاقد بیمه مکلف شوند که هرچه سریعتر برای بیمه خود اقدام کنند.**

● با توجه به این که یکی از رویکردهای عمومی این مجله، تلمرو بانکی است و بخشی از خوانندگان این مجله هم مدیران و دست‌اندرکاران سیستم بانکی هستند، لذا خواهش می‌کنیم اگر در رابطه با سیستم بانکی هم مطلبی به نظرتان می‌رسد، بیان فرمایید.

* اتفاقاً در حال حاضر یکی از مشکلات صنعت بیمه، دیدگاه مسوولانی مانند بانک مرکزی ایران است. به عبارت دیگر، بیمه مرکزی ایران و شرکت‌های بیمه، برای خرید پوشش‌های اتکایی لازم (از جمله برای هواپیمایی، کشتیرانی، خطرات فاجعه‌آمیز سیل، زلزله، توفان و غیره) نیازمند ارز هستند و این نیازی است که شاید از اولویت هم برخوردار است، اما متأسفانه، ارز به صنعت بیمه اختصاص پیدا نمی‌کند و حتی اجازه نمی‌دهند که ما از بازار برای خود ارز تهیه کنیم، در حالی که قراردادهای بیمه اتکایی، که ما به آنها نیاز حیاتی داریم، از حساسیت برخوردارند و اگر حق بیمه ظرف مدت کوتاهی حواله نشود، قراردادهای به‌طور اتوماتیک فسخ می‌شود و برای سال‌های بعد اگر

چاره‌اندیشی اهمیت حیاتی دارد، عدم تکافوی پوشش بیمه بنگاه‌های اقتصادی دولتی است. با وجود این که بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی در دست دولت است، بخش عمده‌ای از آنها پوشش بیمه‌ای کافی ندارند و با کم‌بیمه‌گی مواجهند و در صورت ورود خسارت، تنها بخشی از خسارت آنها توسط صنعت بیمه قابل جبران است و بخشی از آنها، که متأسفانه صنایع کلیدی و استراتژیک هم هستند، حتی بیمه نیستند. برای مثال، می‌توان از صنعت نفت نام برد که اصلاً بیمه نیست، این در حالی است که دیگر آن درآمدهای هنگفت ارزی وجود ندارد و این تأسیسات و پالایشگاه‌ها هم پوشش بیمه‌ای ندارند و اگر خدای ناکرده، حادثه‌ای اتفاق بیفتد و برای مثال، آتش‌سوزی واقع شود، فاجعه به‌بار خواهد آورد، در صورتی که با برنامه جامع بیمه‌ای و تهیه پوشش اتکایی مناسب به وسیله



صنعت بیمه، حتی می‌توان بخشی از خسارت راز بیمه‌گران اتکایی به ارز دریافت کرد. در واقع، برای حفظ دارایی‌ها و ثروت ملی، باید صنایع کلیدی که در اختیار دولت است، بیمه‌رسی شوند و آن سازمان‌هایی که بیمه ندارند، یا پوشش بیمه‌ای کافی ندارند، توسط دولت مکلف شوند که هرچه سریعتر اقدام کنند و هر مدیر دولتی که در این خصوص کوتاهی بدون دلیل داشته باشد، باید مورد سوال قرار گیرد.

● وضعیت بخش خصوصی را در رابطه با بیمه چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

* وضع بخش خصوصی هم در این خصوص رضایت‌بخش نیست. در بخش خصوصی هم به دلیل عدم اشراف کامل به اصول

دارند، یعنی بازار انحصاری که عملاً به مفهوم وجود یک شرکت بیمه با چهار شعبه است. بنابراین، برای حضور مؤثر صنعت بیمه در بازار سرمایه، باید ذخایر، به خصوص ذخایر ریاضی بیمه‌های عمر، افزایش یابد و این افزایش، در گرو افزایش حجم حق بیمه است و افزایش حجم حق بیمه هم در گرو توسعه بیمه است، توسعه بیمه هم بدون انحصار دولت امکان‌پذیر است و ممکن نیست که صنعت بیمه، که نیاز به سطح اشتغال کلان دارد، در انحصار دولت توسعه یابد. بدین ترتیب، به این نتیجه می‌رسیم که مهمترین دلیل برای اصلاح ساختار و حرکت در جهت آزادسازی و خصوصی‌سازی، توسعه بازار است. الگوی توسعه در اکثر کشورها نیز بر حضور بخش خصوصی و بازار آزاد بیمه با نظارت و کنترل دقیق دولت تأکید دارد.

*** وقتی ۶۰ درصد بازار بیمه در دست یک شرکت باشد و سه شرکت دیگر رویهمرفته ۴۰ درصد بازار را در اختیار داشته باشند، بدین معنی است که بازار بیمه ایران یک بازار انحصاری است، یعنی یک شرکت بیمه با سه شعبه!**

● حال، با توجه به اینکه برای تنظیم برنامه سوم توسعه اقداماتی به عمل آمده و چشم‌اندازهای بخش‌های مختلف اقتصاد ترسیم شده است، پیشنهادهای مشخص شما در این رابطه چیست؟

* پیشنهاد مشخص این است که در سال اول اجرای برنامه سوم توسعه، به تعداد شرکت‌های بیمه دولتی، شرکت‌های بیمه خصوصی تأسیس شوند و ۵۱ درصد سهام شرکت‌های بیمه دولتی هم به بخش خصوصی واگذار شود تا شرکت‌های بیمه دولتی هم با ساختار مدیریتی بخش خصوصی فعالیت کنند و بعد به تدریج، با توسعه بازار و تعمیق رقابت، شرکت‌های بیشتری بتوانند وارد فعالیت بشوند. نکته دیگری که در مقطع فعلی طرح آن برای

بخواهیم مجدداً وارد مذاکره شویم، شرایط سخت و دشواری را به ما تحمیل خواهند کرد. بنابراین، تأمین نیاز ارزی صنعت بیمه از اولویت برخوردار است و مسوولان باید به آن توجه جدی مبذول فرمایند.

* یکی از مؤثرترین ابزارها برای نظارت و کنترل مؤسسات بیمه این است که مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های بیمه به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران عزل و نصب شوند.

در همین راستا، باید توضیح بدهم که البته راه‌حل وجود دارد و راه‌حل این است که ما در امر اتکایی به‌عنوان بیمه‌گر اتکایی حرفه‌ای وارد بازار شویم و از طریق قبولی‌های بیمه اتکایی درآمد ارزی داشته باشیم. هم‌اکنون، کشورهایی مانند انگلیس، آلمان، سوئیس، فرانسه و غیره و حتی برخی از کشورهای آسیایی مانند کره، تایوان، سنگاپور و مالزی درآمد ارزی قابل توجهی از فروش بیمه اتکایی قبولی دارند و ضمن تأمین نیازهای ارزی خود، مازاد هم دارند. بنابراین، فعالیت ما در این امر نیازمند اصلاح ساختار است، چون فعالیت در قبولی اتکایی بستگی به تخصص، تجربه و ارتباط مستقیم و بازاریابی از یک طرف، و پرداخت به‌موقع تعهدات از طرف دیگر، دارد و در ساختار دولتی فعالیت در این رشته به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست. مثالی در این خصوص به درک موضوع کمک می‌کند: چندی پیش، در همسایگی ما در کشور بحرین، که تاریخ فعالیت بیمه چندانی هم ندارد، شرکت بیمه اتکایی اریک (ARIG) تأسیس شد، با سرمایه ۳۰۰ میلیون دلار. این شرکت، در حال تبدیل شدن به یک غول اتکایی است و اخیراً یک شرکت بیمه اتکایی وابسته به خود را هم در لندن تأسیس کرده است. در حالی که چگونه می‌توان با ساختار دولتی با اینگونه شرکت‌ها رقابت کرد؟

لازم به توضیح است که در قبولی اتکایی، ارزیابی و شناخت ریسک مهم است و برای شناخت بازار باید بازاریابی کرد و از نزدیک باید

بازار را دید، در حالی که هیچ شرکت بیمه اتکایی در این امر موفق نبوده است و ما هم در گذشته موفقیت‌های محدودی داشتیم، ولی نتوانسته‌ایم حضور خود را در بازار ثبات ببخشیم و فعالیت خود را گسترش دهیم. وقتی که کارشناسی نمی‌تواند بدون اجازه کمیسیون سفرهای خارجی، مسافرت و بازاریابی کند، چگونه ما می‌توانیم به او اختیار بدهیم که میلیون‌ها دلار در هر قرارداد برای ما تعهد بپذیرد. باید توجه داشت که دریافت و پرداخت به‌موقع در بیمه‌های اتکایی حرف اول را می‌زند. مثلاً چند سال پیش سد مارون، که از جمله طرح‌های اولویت‌دار هم به‌شمار می‌رود، دچار خسارت شد. این سد پوشش اتکایی داشت و بیمه‌گر ارشد آن هم شرکت بیمه اتکایی مونیخ است. مدت مدیدی در مورد نرخ ارز اختلاف داشتیم، یعنی ما اعتقاد داشتیم که با همان نرخ که حق بیمه داده‌ایم،



باید خسارت دریافت کنیم. بالاخره، پس از مذاکرات طولانی، به یک توافق رسیدیم و این شرکت اکنون حاضر است که چند میلیون دلار خسارت ما را بپردازد، ولی ما مدیران دولتی نگران دریافت آن هستیم که مبادا کسی از ما بپرسد که چرا با این رقم توافق کرده‌اید! این، یک مشکل ساختاری است. ولی بخش خصوصی لحظه‌ای از دریافت حق خود غافل نیست، چون برای ذخایر مالی خود برنامه دارد و اتفاقاً همین برنامه‌های مالی هم موجب موفقیت خواهند شد.

حال که صحبت از آینده‌نگری است، باید بگویم که کار به‌واقع مختل شده است و در بازار اتی نظام بیمه باید این نکات دیده شود: با بیمه می‌توان ارز آورد، با بیمه می‌توان پس‌اندازهای کوچک مردم را جمع کرد و به جای آن، بیمه‌نامه

عمر به آنها فروخت تا تأمین آتیه شوند و فرزندان خود را به سامان برسانند، با بیمه می‌توان به صنایع پوشش کافی بیمه‌ای داد، با بیمه می‌توان خطرات فاجعه‌آمیز را بیمه کرد، بیمه‌ای که ساختاری مناسب داشته باشد.

از جمله موارد دیگری که باید با اولویت مورد توجه قرار گیرد، بیمه‌رسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس یا متقاضی پذیرش در بورس و همچنین، سازمان‌ها و مؤسساتی است که اقدام به انتشار اوراق مشارکت می‌کنند. از آنجایی که اشخاص حقیقی، با پس‌اندازهای ریز و درشت، سهامدار این مؤسسات هستند و اوراق مشارکت را خریداری می‌کنند، لذا حفظ این سرمایه‌ها، که در معرض انواع خطرات قرار دارند، از ضروریات است. بنابراین، باید دقیقاً بیمه‌رسی شوند، به طوری که ریسک‌های بیمه‌پذیر به شرکت‌های بیمه منتقل شود و خسارت‌های احتمالی جبران شوند. بدیهی است که بخشی از خسارات نیز از طریق اخذ پوشش‌های اتکایی از طرف بیمه‌گران اتکایی خارجی باید جبران شوند. در همین راستا، ضرورت تأسیس یک شرکت بیمه اتکایی ملی در بازار بیمه ایران به‌شدت احساس می‌شود. لذا پیشنهاد ما این است که همزمان با آزادسازی و خصوصی‌سازی، یک شرکت بیمه اتکایی ملی، با مشارکت بیمه مرکزی ایران، شرکت‌های بیمه و مؤسسات بزرگ اقتصادی مانند شرکت نفت، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، کشتیرانی و غیره، البته با ساختار و مدیریت خصوصی، تأسیس شود.

● آیا منابع و ذخایر شرکت‌های بیمه ایران هم می‌تواند در جریان تشکیل سرمایه اثر داشته باشد؟

* به‌طور کلی، در تمام انواع بیمه، حق بیمه از قبل دریافت می‌شود. بنابراین، شرکت‌های بیمه قبل از پرداخت خسارت، حق بیمه را دریافت می‌کنند و حق بیمه‌های دریافت‌شده از قبل، وجوه بسیار هنگفتی را تشکیل می‌دهند که اصطلاحاً به آن‌ها ذخایر فنی می‌گویند. این ذخایر فنی، متعلق به بیمه‌گزاران است و حجم عظیمی را هم تشکیل می‌دهد. در برخی از کشورها میزان ذخایر شرکت‌های بیمه، به‌ویژه ذخایر شرکت‌های بیمه عمر، از بانک‌ها هم بیشتر

است. به همین سبب، دولت بر این ذخایر نظارت و کنترل دارد، چون اگر این منابع در مسیر صحیح سرمایه‌گذاری هدایت نشوند، ممکن است از فعالیت‌های مخرب اقتصادی مانند دلالی و بورس‌بازی سردرپیابورند که هم منافع بیمه‌گزاران به خطر می‌افتد و هم اقتصاد ملی را با مشکل مواجه می‌سازد. پس، برای سرمایه‌گذاری ذخایر فنی شرکت‌های بیمه اصولی باید رعایت شود که هم حافظ منافع بیمه‌گزاران باشد و هم در مسیر توسعه اقتصاد ملی کشور به کار افتد. بنابراین، مسلم است که ذخایر شرکت‌های بیمه، که باید به تفکیک بیمه‌های زندگی و غیرزندگی نگهداری شود، می‌تواند در بازار سرمایه مشارکت داشته باشد، اما این مشارکت مستلزم اصلاح مقررات مربوطه است، به طوری که شرکت‌های بیمه، ضمن حفظ اصل و منافع ذخایر خود (که به منظور انجام تعهدات آتی فزاینده صورت می‌گیرد) بتوانند فعالانه در بازار سرمایه کشور حضور مؤثر داشته باشند.

از طرف دیگر، در بیمه‌های عمر، باید شرکت بیمه منافع تضمین‌شده‌ای را به بیمه‌گزار اختصاص دهد و حق بیمه را براساس سود حاصل از ذخایر بیمه‌نامه‌های عمر محاسبه کند. بنابراین، بازار سرمایه باید ضمن تضمین حداقل سودی که در محاسبه حق بیمه مورد محاسبه قرار گرفته، مازادی را هم برای جبران هزینه‌های بیمه‌گر و سود شرکت بیمه تأمین کند. بدین ترتیب، باید گفت که حضور صنعت بیمه در بازار سرمایه، مستلزم داشتن درآمد در سطح مطلوب مورد نظر است، لذا بدون اصلاح بازار سرمایه، حضور فعال صنعت بیمه در آن ممکن نیست.

نکته دیگر اینکه، گسترش بازار بیمه در گرو رقابتی‌کردن فعالیت شرکت‌های بیمه است، در حالی که هم‌اکنون، مشتریان انتخاب محدود دارند و از بین شرکت‌های بیمه دولتی باید یکی را انتخاب کنند. بنابراین، انگیزه توسعه بازار در این شرکت‌ها در حداقل ممکن است و ظرفیت آنها اشیاع شده است، در حالی که بخش خصوصی با ظرفیت عظیمی که با خود به‌ارمغان می‌آورد و با نوآوری و خلاقیت ویژه خود، موجب افزایش ذخایر شرکت‌های بیمه برای سرمایه‌گذاری خواهد شد. به همین دلیل، مشتریان در بازار رقابتی می‌توانند انتخاب اصلح داشته باشند.

در نهایت اینکه، بیمه مرکزی ایران مسوولیت دارد که سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه را هدایت کند. بنابراین، بازار سرمایه باید از اطمینان‌بخشی و سوددهی کافی برخوردار باشد. در واقع، شرکت‌های بیمه یکی از منابع بزرگ پس‌انداز هستند و صنعت بیمه دارای حجم عظیمی از منابع مالی قابل سرمایه‌گذاری می‌باشد. استفاده بهینه از این منابع مالی، نه تنها از نقطه‌نظر حفظ حقوق بیمه‌گزاران، بلکه از لحاظ نیل به رشد و توسعه اقتصادی کشور اهمیت فراوانی دارد، لذا باید این منابع در کانال‌های صحیح، با سوددهی قابل قبول، برای ایفای تعهدات روبه‌افزایش صنعت بیمه هدایت شوند.

● لطفاً در پایان اشاره‌ای هم داشته باشید به نقش، وظایف و اهداف بیمه مرکزی ایران در تنظیم و توسعه بازار بیمه کشور.



* به طور کلی، عدم توانایی مؤسسات بیمه در اجرای تعهدات خود، علاوه بر تأثیر منفی بر روی بیمه‌گزاران، دارای تأثیرات منفی بر اقتصاد ملی نیز می‌باشد. بنابراین، بیمه مرکزی ایران، علاوه بر کنترل و نظارت و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه و نحوه تأسیس شرکت‌های بیمه جدید، مسوولیت تهیه تعرفه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تنظیم و تصویب مقررات برای فعالیت دلالتان و نمایندگان بیمه و جلوگیری از رقابت ناسالم در بازار را هم به‌عهده دارد، لذا این سازمان باید با دراختیارداشتن ابزارهای قانونی، هدایت صنعت بیمه را با قدرت تمام به‌عهده بگیرد و فعالیت صنعت بیمه را در بازار رقابتی سالم و در جهت توسعه و گسترش بیمه هدایت کند. هم‌چنین،

بیمه مرکزی ایران باید این اختیار را داشته باشد که در صورت تکرار تخلف از طرف یک شرکت بیمه، با تأیید مراتب تخلف از طرف شورایعالی بیمه، مجوز فعالیت شرکت بیمه متخلف را در یک، چند یا کلیه رشته‌ها برای کوتاه‌مدت یا برای همیشه لغو کند. یکی از مؤثرترین ابزارها برای نظارت و کنترل مؤسسات بیمه هم پیشنهاد نصب و عزل مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های بیمه از طرف بیمه مرکزی ایران است. در این خصوص، پیشنهاد می‌شود که ماده ۳ قانون نحوه اداره امور شرکت‌های بیمه، مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۳ مجلس محترم شورای اسلامی، به نحوی اصلاح شود که این اختیار براساس مواد ۳۸ و ۳۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری" به بیمه مرکزی ایران داده شود. بدین ترتیب، مدیرعامل و اعضای هیأت‌مدیره شرکت بیمه به پیشنهاد رییس کل بیمه مرکزی ایران و با تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب خواهند شد.

● ضمن تشکر مجدد، امیدواریم نکاتی که در این مصاحبه مطرح فرمودید، مورد توجه قرار گیرد و شاهد شکوفایی و بالندگی بازار بیمه کشور باشیم.

بانک و اقتصاد

آماده دریافت نظریات و انتقادات و سفارش‌های شما می‌باشد.

تلفن دفتر مجله:

۶۵۵۱۳۵

تلفن بخش آگهی‌ها:

۸۸۵۵۱۱۷